

بخشی از گزارش گروه علمی تاریخ علم و تعلیم و تربیت در ایران در جلسه اختتامیه همایش (۳ دی ماه ۱۳۸۳)

از جناب آقای دکتر علی محمد کاردان

به نام خدا

البته دادن یک گزارش کامل از ۳ نشست گروه تاریخ علم و تعلیم و تربیت، مجال بیشتری می‌خواهد، ولی بنده فقط به اختصار خدمتتان عرض می‌کنم که در این ۳ نشستی که اختصاص داشت به تاریخ علم و تعلیم و تربیت، هرچند که خیلی هم با همدیگر هماهنگی ندارند؛ تاریخ علم، یک معنای عام داشت و تعلیم و تربیت معنای خاص، ولی اکثر این مقالات، امتزاج و ترکیبی بود از این دوتا. در نشست اول، ۴ مقاله مطرح بود که از میان آن‌ها، سه نفر سخنرانی کردند و یک نفر غائب بود. در نشست دوم هم ۴ مقاله بود که باز یکی به سخنرانی نینجامید. در نشست سوم، ۵ مقاله که ۴ مقاله به صورت سخنرانی و بحث و گفت‌وگو برگزار شد. این سخنرانی‌ها شاید همان‌طور که عرض کردم، به دو دسته تقسیم می‌شد: سخنرانی‌هایی که بیشتر مربوط به تاریخ علم در ایران بود و دسته دوم، سخنرانی‌هایی که مربوط بود به تعلیم و تربیت یا به معنای عام کلمه مثلاً در مورد آراء و نظریه‌های تربیتی، یا این که یک بحث موردی، مثلاً بحث در مورد یکی از این مدارس قدیمی ایران یا کتابخانه‌هایی که جنبه آموزشی و پرورشی داشت. این سخنرانی‌ها عبارت بودند از:

الف) تعلیم و تربیت نزد ارمنیان ایران که بحث در این بود که در مدارس ارمنی چگونه فعالیت صورت می‌گرفت و چگونه این مدارس تحت تأثیر فرهنگ ایران و متقابلاً فرهنگ ایران تحت تأثیر فرهنگ ارمنی قرار گرفته بود و این تأثیرات متقابل از چه قرار بود؟

ب) سخنرانی دوم مربوط بود به ساختار مدیریت و نظام آموزش و پرورش در مدرسه سعادت بوشهر.

پ) سخنرانی سوم، نهضت فرهنگی زنان و این که چگونه کم‌کم تربیت زن، جای خودش را در تعلیم و تربیت جدید ایران باز کرد و زنان توانستند در سطوح مختلف، از ابتدایی گرفته تا دانشگاه کم‌کم به نظام آموزش و پرورش راه پیدا کنند.

ت) سخنرانی که متأسفانه انجام نگرفت، مربوط بود به معرفی کتابخانه طالبيه مسجدجامع تبریز که متأسفانه از سخنرانی نویسنده مستفیض نشدیم.

در جلسه دوم، مقالاتی که مطرح بود، یکی مربوط بود به حکیم استرآبادی که سخنران غائب بودند و متأسفانه استفاده نکردیم. سخنرانی‌های دیگر عبارت بودند از:

الف) زیرساخت‌های نظریه اخلاقی اندیشمندان بنیانگذار ایرانی که بیشتر منظور ابن مسکویه و غزالی و خواجه نصیر طوسی بود و سخنران محترم نشان دادند که تا چه حد این بزرگان از فلسفه‌های ارسطو و افلاطون متأثر بودند و خود چه نوآوری‌هایی در این زمینه به‌خصوص از لحاظ تعلیم و تربیت در آثارشان منعکس است.

ب) سخنرانی بعدی مربوط به گندیشاپور، به‌خصوص دانشگاه گندیشاپور و این که چه فعالیت‌هایی در این دانشگاه صورت می‌گرفت و چگونه در دوره اسلامی، به‌خصوص در عهد عباسی، این سخنرانی توانست منشاء اثر باشد و به‌خصوص تأکید شد روی این که گندیشاپور در بیت‌الحکمه چه اثرات علمی و تربیتی داشت.

پ) سخنرانی بعدی مربوط بود به بررسی اهداف جوانان دانشگاهی ایران و نحوه خودتنظیمی رسیدن به اهداف براساس یک مدل معروف در اندازه‌گیری‌های عقیده‌ای و نگرشی. این تحقیق در مورد دانشجویان دانشگاه شیراز به‌عمل آمده بود و آرمان‌های جوانان را مقایسه می‌کرد و این که این آرمان‌ها را تا چه حد قابل اجرا می‌بیند و چه فرق است بین دانشجویان دختر و پسر، که البته بیشتر یک تحقیقی مربوط به اوضاع و احوال امروزی بود و جنبه تاریخی نداشت، بلکه بیشتر نوعی روان‌شناسی اجتماعی قشر جوان دانشگاهی بود.

در جلسه سوم، دو سخنران از مهمانان محترم خارجی داشتیم:

الف) یکی از سخنرانی‌ها مربوط بود به تأثیر کلیسای ارتدوکس روس در ارومیه. این سخنرانی را اسقف محترم گریانوف به‌عمل آوردند که خود عضو آکادمی علوم روسیه و رئیس آکادمی تعلیم مسیحی بود. سخنرانی بسیار جالبی بود و نشان می‌داد که به‌هرحال مسیحیت از لحاظ فرقه ارتدوکس در ارومیه به‌طور اخص و به‌طور کلی در شمال ایران چه تأثیراتی داشت از سال ۱۸۹۸ تا پایان جنگ اول جهانی، یعنی سال ۱۹۱۸.

ب) سخنرانی‌ای که متأسفانه برگزار نشد و بسیار جالب بود، اگر که شنیده بودیم عبارت بود از: مقایسه داروی ایرانی و چین، تحت عنوان « داروی ایرانی و چین باستان ». البته باید گفت سه سخنرانی را استادان خارجی به‌عمل آوردند.

پ) سخنرانی سوم مربوط بود به تبادلات علمی بین سرزمین‌های به‌قول سخنران، فارس که البته منظور ایرانی است با اندلس. این سخنرانی هم نشان می‌داد که برخلاف آن‌چه که ما غالباً فکر می‌کنیم، تأثیر فقط در شرق نیست، یعنی ارتباط بین تمدن ایران و کشورهای شرقی نیست، بلکه در شمال آفریقا تا اندلس هم آثار بزرگان ایرانی و مهاجرت‌های علمی کاملاً مشهود است و یکی از موضوعات مهم تحقیق آینده می‌تواند قرار گیرد.

ت) دو سخنرانی دیگر که بیشتر علمی بود و متأسفانه بنده هم خیلی ورود در آن نداشتم، یکی مربوط بود به پنج‌ضلعی منتظم، مقایسه روش‌های ابوالوفای بوزجانی و لئوناردو داوینچی و البته آن‌چه که من استنباط کردم، بحث سر این بود که چگونه علم هندسه می‌تواند جنبه‌های مشترکی بین شرق و غرب داشته باشد.

ث) بحث علمی دیگر، مقام علمی و آثار یکی از ریاضی‌دانان بزرگ ایران در قرن چهارم بود به‌نام ابوسعید سجزی که تا آن‌جایی که بنده درک کردم، سخنران تحقیق وسیعی در این زمینه کرده بودند و نشان داده بودند که مسئله منظومه شمسی و کارهایی که بعدها کپرنیک و کوپلر و ... کردند، مقدمات تفکرات آن‌ها را می‌شود در آثار کسانی مثل سجزی مشاهده کرد.

آن‌چه که بنده می‌توانم در این مختصر خدمت شما عرض بکنم، رویهم‌رفته این است که گفته شد. ملاحظه می‌فرمایید که در این سه جلسه، با وجود زمان کوتاهی که بود، نکات دقیق و خوب و متنوعی مطرح شد و انشاءالله که در کنگره‌های آینده بتوانیم این موضوعات را بیش از این پیرویم و به غنای ایران‌شناسی به کمک استادان محترم بیافزاییم.